

برادران عزیز می‌خواهم شما از یک سر الهی آگاه باشید تا دچار غرور نشوید. درست است که بعضی از یهودیان در حال حاضر بر ضد انجیل عمل می‌کنند اما ای‌خواهد داشت تا آن عده از شما غیر یهودیان که خدا از ابتدا در نظر داشته است به مسیح ایمان بیاورند. پس از آن تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت. در همین مورد در کتاب آسمانی چنین آمده است: از شهر صیهون نجات دهنده ای ظاهر خواهد شد و یهودیان را از بی دینی رهایی خواهد داد. در آن زمان من طبق وعده خود تمام گناهان آنان را پاک خواهم نمود.

اکنون بسیاری از یهودیان دشمن انجیل مسیحند، این عمر به نفع شما بوده است زیرا سبب شد که خدا هدیه نجات خود را به شما اعطا کند. اما یهودیان به هر حال بخاطر وعده‌هایی که خدا به ابراهیم و اسحاق و یعقوب داده بود مورد توجه او هستند. زیرا وقتی خدا کسی را برگزید و نعمتی به او بخشید، دیگر تصمیمش تغییر نخواهد کرد و او هرگز وعده‌های خود را پس نمی‌گیرد. زمانی که شما بر خدایاگی بودید و یهودیان هدیه خدا را رد می‌کردند، اما آن‌ها روزی از همان مهربانی و رحمتی که خدا نسبت به شما دارد، برخوردار خواهند شد. زیرا خدا آن‌ها را در گناه به حال خود رها کرده تا بتواند بر همه یکسان رحم کند. وای که چه خدای عظیمی داریم! حکمت و ثروت او چه عظیم است! مشیت و راههای او فوق ادراک ماست! کیست که بتواند فکر خدا را درک کند؟ چه کسی انقدر داناست که بتواند مشورتی به خدا بدهد؟ چه کسی می‌تواند

هدیه‌ای به خدا بدهد که لایق او باشد و از او انتظار عوض داشته باشد؟ هر چه هست از خداست و وجود همه چیز به قدرت او وابسته است و همه چیز برای شکوه و جلال اوست. استایش بی پایان بر او باد

خیلی سال که ما همچین بی رحمی و سقاوتی را ندیده‌ایم. اینها حتی به کودکان هم رحم نمی‌کنند! ...میلیونها نفر از خانه هایشان فرار کردند، در عراق و در خبرها این صحنه‌ها را می‌بینم که هلیکوپترهایی هم برای نجات به این ایزدی‌ها کمک‌هایی می‌فرستند، در مقابل داعش که می‌خواهند تمام ایزدی‌ها را بکشند. من صورت ادمهایی را می‌بینم که از سوار شدن به هلیکوپتر ترس دارند ولی آن‌ها با وجود این سوار هلیکوپتر می‌شوند چون آن تنها امید آن‌ها برای رهایی از بدبختی است. ولی شاید فقط 4 تا 5 نفر از آن‌ها بتوانند سوار هلیکوپتر شوند و باقی باید همان جا باقی بمانند. آیا این به این معنی است که این 5 نفر نجات یافتند و مابقی نه؟ شاید کسانی که از کشور هاشان فرار کردند و به اروپا رسیدند بتوانند این سؤال را تجسم کنند. چرا من در اروپا هستم ولی برادر و خواهر من باید در سختی باشند؟ نه این را تنها پناهندگان نباید بپرسند بلکه ما همه باید این سؤال را از خودمان داشته باشیم که: چرا من در یک سرزمینی به دنیا آمده‌ام که تقریباً می‌توانم در امنیت زندگی کنم؟ چرا من می‌توانم از یک رشته تحصیلی خوب بهره‌مند باشم و دیگران این امکان را ندارند؟ چرا من تا

حال رنج گشنگی نداشتم ولی دیگران باید همیشه در رنج گشنگی باشند در آن سوی دنیا؟ چرا من باید والدین خوبی می‌داشتم که به من خوب ادا و رسوم را یاد دهند و دیگری نه؟ چرا من توانستم انجیل مسیح را بخوانم و از آن بهره مند شوم و تعمیم بگیرم ولی دیگران نتوانستند این کار را بکنند و با انجیل نتوانستند ارتباط برقرار کنند؟ این عدالت؟

پولوس امروز در این موعظه از این سئوالات سخن می‌گوید. سؤال او شامل غیر یهودیان می‌شود که به ایمان راه یافته اند. ولی برای یهودیان چه پیش خواهد آمد؟ کسی این را پرسید؟ پولوس جواب می‌دهد که ما نباید به خودمان مغرور باشیم و کسی نمی‌تواند به بزرگی ادراک خداوند دست یابد و یزرگی هدیه او را درک کند! و کسی هم اجازه ندارد در مورد اینکه انسانی از انسان دیگر بیشتر خوبی دارد و مغرور باشد که ما این لطف خدا را داریم و شما ندارید صحبت کند. برای قوم اسرائیل پولوس حتی این دلیل را می‌آورد که چون اسرائیلی‌ها هدیه را رد کردند، این هدیه به غیر یهودیان رسیده است و برای آن است که غیر یهودیان به ایمان راه پیدا کرده اند. اینکه کلام را پس بزنی به این معنی است که چیزی در توست که خیلی سخته و غیر شفاف مثل سنگ و آدم می‌تواند اینطور تصور کند که قلب انسان‌ها مثل سنگ است. و قلب آدمها برای کلام خدا هیچ احساسی ندارد. و برای همین هم آن‌ها متوجه فرق بین خوب و بد و عدالت و بی‌عدالتی هم نمی‌شوند. در داستان انجیل همیشه از این سخن به میان آمده است. معروف ترین مثال از عهد قدیم را می‌توان داستان فرعون بیان کرد که

او بعد 10 مرتبه بلایای خدا و آن همه اخطار خدا و موسوی ، باز حاضر به اطاعت نشد. و پیامبران عهد قدیم همیشه و همیشه از آن سخن گفته‌اند که قوم خدا به حرف‌های خدا گوش داده و معجزات او را در میان خود تجربه کرده اندولی با این حال آن‌ها از فرامین خدا سرکشی کرده اند. عیسی هم از این سخن می‌گوید که ادمها کور هستند و نمی‌توانند خدا را بشناسند تا سخنان او را بشنوند. انبا مثال بیان می‌کند که کجا انسان‌ها از راه بدر شده‌ند. و از این سخن می‌گوید که ما چطور کلام خدا را نادیده می‌گیریم و به مار گوش می‌دهیم که همان سمبل شیطان است. بله بالاخره ما ادمها به دام می‌افتیم! بعد قلب ما سنگ می‌شود و کلام خدا در آن نفوذ نمی‌کند. و ما دیگر نمی‌توانیم راهنمایی‌های خدا را ببینیم و به زندگی جدید راه پیدا نمی‌کنیم. چقدر زیاد پیش میاد که ما بخاطر نگرانی‌های روزمره تمام کلام خدا را که باعث دگرگونی زندگی ما می‌شود را فراموش می‌کنیم و راهنمایی‌های آن را نمی‌توانیم ببینیم. و اغلب اینطور است که من برای رهایی از یک گناه به درگاه خدا دعا می‌کنم ولی وقتی خدا می‌خواهد مرا از آن رها کند من دقیقاً همان گناه را تکرار می‌کنم. پس وقتی من میتوانم ایمان بیاورم این به این دلیل است که عیسی خود ابتکار عمل را در دست می‌گیرد و ما انسان‌ها را نجات می‌دهد. در انجیل همیشه و همیشه ما این را می‌بینیم. وقت که عیسی پطرس را که در حال ماهیگیری بود را نجات داد و یا وقتی عیسی متی باج‌گیر را نجات داد و یا وقتی او زکی را که از درخت بالا رفته بود

تا او را ببیند را نجات داد. عیسی با نور خودش بر قلب ما می تابد و همه چی در ما تغییر می کند! و فقط به همین خاطر! و بر این اصل پولوس همیشه تأکید میکند و او فقط این را می بیند. وقتی او در راه کشتن مسیحیان بود عیسی او را از میانه راه برگردوند و به یک راه کاملاً جدیدی کشاند. و پولوس بر این باور است که ما انسان‌ها هرچه هستیم از عیسی مسیح هستیم. در ابتدای فصل 8 نامه رومیان او در این مورد دقیقاً توضیح داده است. پولوس از درد بزرگی که اسرائیل را دربر گرفته توضیح می دهد، و آن لذتجویی انان است، و آن‌ها نتوانستند که به انجیل ایمان بیاورند. و آن‌ها هدیه خدا را هیچ به حساب آوردند. پولوس در این باره این چند سطر را می نویسد... این تعجب آور نیست که یهودیان بدتر باید باشند از دیگر انسانها. او به هیچ وجه آن‌ها را بخاطر ایمان نیاوردن سرزنش نمی کند بلکه او شهادت می دهد از لطف خدا که شامل حال آن‌ها شده بود. او در مقابل نافرمانی آن‌ها در مقابل هدیه خدا برای آن‌ها دعا می کند. و این به این خاطر است که او در ایمان به خدا و لطف خدا امیدوار است! و چون همچنین چیزی هست ما غیر یهودیان نباید خود را بالاتر از یهودیان پنداریم و در نظر بگیریم که ما از آن‌ها بهتریم. اگر چنین کنیم ما لطف خدا را از دست می دهیم. ما باید این را بستاییم و از نظر دور نکنیم که ما فقط از طریق لطف است که نجات یافته ایم. و خدا این کار را کرد تا بین غیر یهودیان و یهودیان به عدالت رفتار کند. و پولوس با این سطر نامه را می بندد. او همه نشانه‌ها را

از طرف خدا می‌بیند و او همه ما را یکسان به حساب می‌آورد. این آرامشی که ما از عیسی گرفتیم به ما اجازه می‌دهد تا با امیدواری فراوان آن را به دیگران هم نشان دهیم. چون ما میدانیم که خدا ما را تنها از طریق لطف خودش است که نجات داده است و هیچ آدمی انقدر دور نیست که عیسی نتواند او را به منزل برساند. این نگاه امیدوارانه ماست به انسان‌ها در جهان. بله حتی انسانهایی به بدی کسانی که کودکان را می‌کشند نیز می‌توانند از طریق خدا به منزل فراخوانده شوند! آیا این خیلی راحت است در این کشمکش بین نفرت و انتقام قرار گرفتن و برگشتن؟ ما از انتقام حرف می‌زنیم در مقابل کسانی که به این چنین جناباتی دست می‌زنند به نام خدا. ولی در این لحظه که من این ادمها را قضاوت می‌کنم، یا آنها را نالایق برای مسیحی شدن میدانم، در واقع من دارم خودم را پیش‌داوری می‌کنم. و این نتیجه می‌دهد که ما لطف خدا را پیش‌داوری کردیم بیشتر از هر چیز دیگر و آن را به خود نسبت داده ایم. این دنیا همینطور ادامه خواهد داشت در جنگ و جنایت، تا پایان تلخ. در ایمان خدا حتی بدترین خطاکاران را با آغوش باز در بر می‌گیرد. او ما را و یهودیان را به توبه دعوت می‌کند درست مثل آن یهودیانی که عیسی را به صلیب کشیدند. امروزه مسیحیان در حال تعقیب اند و خون آنها ریخته می‌شود. ولی بجای آن ما می‌توانیم مثل پولئوس لطف خدا را در نظر بگیریم که او برای ما اینجاست: و این را می‌دانیم ما که مثل بیشتر انسان‌ها ما نمی‌توانیم به سوی ایمان بیاییم. وقتی ما به این حوادث تأسف بار در عراق برگردیم، این

را شاید بپرسیم چه هدفی هست وقتی ما فقط می‌توانیم 5 نفر را بین آن همه آدم نجات دهیم. بله این ناراحت‌کننده است که فقط 5 نفر از بین آدمهای زیادی نجات یابند. ولی برای این 5 نفر آیا نجات کامل بوده است! دقیقاً این همان راه ماست که در آن قرار داریم، راهی که تک تک ما در عیسی باید پیدا کنیم! کدام شعور و درایتی تا این حد است تا بتواند معرفت خدا را درک کند! چقدر غیر قابل درک است عدالت او و راهی که در نظر دارد... که ما از طریق او به سمت او خواهیم بود همگی. در شرافت ابدی بر او باد. امین